

حسابداری بهای تمام شده چیست؟ تعریف، انواع و مزایای آن

نقش حسابداری بهای تمام شده در یک سازمان انکارناپذیر است. حسابداری بهای تمام شده، مسئول ارائه اطلاعاتی است که برای مدیران در تصمیم‌گیری‌های مربوط به استفاده بهینه از منابع و بهبود سودآوری حیاتی است. در این مقاله، حسابداری بهای تمام شده را تعریف و انواع مختلف آن و نقش آنها را بررسی می‌کنیم. اهمیت این نوع حسابداری در چشم‌انداز کسب‌وکار امروز را مورد بحث قرار می‌دهیم. همچنین شما را با [نرم افزار بهای تمام شده آشنا می‌کنیم](#).

کلیک کنید

برای دریافت دمو



حسابداری بهای تمام شده و هدف آن

حسابداری بهای تمام شده شکلی از حسابداری است که به هزینه‌های سازمان نگاه و عملکرد مالی آن را ردیابی می‌کند. این شامل تجزیه و تحلیل هزینه فرآیند تولید، زنجیره تأمین، تصمیمات مدیریتی و موارد دیگر برای اتخاذ تصمیمات استراتژیک در مورد بودجه و سرمایه‌گذاری است.

حسابداری بهای تمام شده به سازمان‌ها کمک می‌کند تا تشخیص دهند که کجا می‌توانند هزینه‌ها را کاهش دهند و در عین حال کارایی را به حداکثر برسانند. این نوع حسابداری همچنین سودآوری را اندازه‌گیری می‌کند. سودآوری کلی شرکت را با مقایسه هزینه‌های واقعی کسب‌وکار با آنچه بودجه در نظر گرفته شده تعیین می‌کند.

این نوع حسابداری بخش مهمی از فعالیت‌های مالی در هر سازمان است. زیرا امکان تجزیه و تحلیل دقیق عملکرد مالی را از طریق سیستم ثبت دقیق آن فراهم می‌کند.



انواع مختلف هزینه‌های مربوط به حسابداری بهای تمام

شده چیست؟

پنج نوع اصلی هزینه در حسابداری بهای تمام شده وجود دارد: هزینه‌های مستقیم، هزینه‌های غیرمستقیم، هزینه‌های ثابت، هزینه‌های متغیر و هزینه‌های سربار.

• هزینه‌های مستقیم

اینها راحت‌ترین هزینه‌های قابل شناسایی مرتبط با یک محصول یا خدمات خاص هستند. هزینه‌های مستقیم شامل مواد، نیروی کار و کمیسیون‌های پرداخت شده به نمایندگان فروش است. قیمت مستقیم همچنین می‌تواند شامل هزینه‌های حمل‌ونقل، لوازم بسته‌بندی و سایر ابزارهایی باشد که برای تولید یک محصول یا ارائه خدمات استفاده می‌شود.

• هزینه‌های غیرمستقیم

این نوع هزینه‌ها که به عنوان **هزینه‌های سربار** نیز شناخته می‌شوند، نمی‌توانند مستقیماً به هیچ واحد تولیدی یا عملیات اختصاص داده شوند. اما همچنان برای تولید کالاها یا خدمات ارائه شده توسط یک سازمان ضروری هستند.

هزینه‌های غیرمستقیم معمولی شامل آب و برق، تجهیزات، استهلاک فضای ساختمان و سایر هزینه‌های اداری مانند حق بیمه، مزایای کارکنان و هزینه‌های حرفه‌ای برای

خدمات حسابداری یا حقوقی است.

• هزینه‌های ثابت

هزینه‌های ثابت بدون توجه به حجم تولید در یک دوره معین ثابت می‌ماند. به عنوان مثال می‌توان به اجاره محل تجاری، پرداخت وام و حقوق کارکنانی که حقوق ساعتی اضافی دریافت نمی‌کنند، اشاره کرد.



• هزینه‌های متغیر

هزینه‌های متغیر بسته به میزان تولید در یک دوره معین تغییر می‌کند. معمولاً زمانی که کالاها یا خدمات بیشتری تحویل داده می‌شوند، افزایش می‌یابند. به عنوان مثال می‌توان به دستمزد پرداختی به کارکنان در هر ساعت کار و مواد خام مورد استفاده در فرآیند تولید اشاره کرد که بسته به **تقاضای مشتری** برای محصولات یا خدمات شرکت می‌تواند از ماه به ماه یا سال به سال متفاوت باشد.

• هزینه‌های سربار

سربار به هر هزینه‌ای اطلاق می‌شود که مستقیماً قابل انتساب به فرآیند تولید نیست. اما همچنان برای عملیات ضروری و شامل **هزینه‌های ثابت** و متغیر است. این هزینه معمولاً زمانی افزایش می‌یابد که بازده افزایش داشته باشد. زیرا ممکن است شامل منابع اضافی، مانند پرسنل و امکانات مورد نیاز برای توسعه باشد.

نمونه‌هایی از هزینه‌های سربار می‌تواند شامل هزینه‌های غیرمستقیم نیروی کار مانند مزایای کارکنان، هزینه‌های تعمیر و نگهداری ماشین‌آلات و تجهیزات موجود، لوازم اداری مورد استفاده در سراسر سازمان و هزینه‌های تبلیغاتی مربوط به ایجاد تقاضای مشتریان برای کالا یا خدمات تولید شده توسط یک واحد تجاری باشد.

انواع مختلف حسابداری بهای تمام شده

حسابداری بهای تمام شده نوعی از حسابداری است که به مجموع هزینه‌های مربوط به تولید و ارائه یک محصول یا خدمات می‌پردازد. **حسابداران بهای تمام شده** هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم سازمان مانند نیروی کار، مواد، موجودی و سربار را دنبال می‌کنند.

علاوه بر این، این نوع حسابداری به سازمان‌ها کمک می‌کند تا با تعیین هزینه کالاهای فروخته شده (COGS)، موجودی، استهلاک و مالیات، تصمیمات تجاری کوتاه‌مدت و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت اتخاذ کنند. حسابداران هزینه برای ایجاد مدل‌های مالی بسیار دقیق کار می‌کنند که به سازمان‌ها کمک می‌کند تا عملیات خود را مدیریت و سودآوری خود را در بلندمدت بهینه کنند.

بنابراین، حسابداری بهای تمام شده به شرکت‌ها کمک می‌کند تا بینشی در مورد فرآیندهای خود برای **کاهش هزینه‌ها** و افزایش کارایی کسب کنند.



1. هزینه‌یابی بر اساس فعالیت (ABC)

هزینه‌یابی مبتنی بر فعالیت روشی برای تعیین بهای تمام شده یک محصول خاص بر اساس فعالیت‌های لازم برای تولید آن است. این نوع حسابداری به فعالیت‌های مختلفی که در ساخت یک محصول انجام می‌شود نگاه می‌کند و هزینه‌ها را به آن فعالیت‌ها اختصاص می‌دهد. به عنوان مثال، ایجاد محصول به سه مرحله مجزا نیاز دارد، طراحی، ساخت و مونتاژ.

این سیستم هزینه‌یابی مبتنی بر فعالیت است که هزینه‌های هر مرحله را به طور جداگانه ارائه می‌کند. این روش به شرکت‌ها کمک می‌کند تا بهتر بفهمند هزینه‌هایشان از کجا می‌آید و چگونه می‌توانند بهتر آنها را برای افزایش سود یا کاهش هزینه‌ها مدیریت کنند.

هزینه‌یابی مبتنی بر فعالیت (ABC) همچنین علاوه بر کمک به سازمان‌ها در شناسایی حوزه‌های سودآور عملیات تجاری، می‌تواند برای مدیریت مؤثرتر و کارآمدتر هزینه‌های سربار استفاده شود. تمام هزینه‌های مرتبط با فعالیت‌هایی مانند برنامه‌های آموزشی کارکنان یا خرید موجودی را تجزیه و تحلیل کنید. سازمان‌ها می‌توانند تعیین کنند که برای کاهش هزینه‌های سربار، بدون به خطر انداختن کیفیت یا عملکرد، باید در کجا کاهش انجام شود.

این نوع حسابداری همچنین می‌تواند به عنوان یک ابزار تشخیصی هنگام ارزیابی مشکلات بالقوه در ساختار عملیاتی سازمان مورد استفاده قرار گیرد. زیرا به مدیران اجازه می‌دهد نقاطی که افزایش سرمایه‌گذاری می‌تواند عملکرد را بهبود بخشد یا اتلاف را کاهش دهد، شناسایی کند.

به طور کلی، هزینه‌یابی مبتنی بر فعالیت (ABC) یک ابزار ضروری برای کسب‌وکارهایی است که به دنبال کسب بینش در مورد هزینه‌های عملیاتی خود و تصمیم‌گیری بهتر در مورد استراتژی‌های قیمت‌گذاری، تلاش‌های بازاریابی، تخصیص منابع و سایر جنبه‌های اجرای موفقیت‌آمیز عملیات تجاری خود هستند.

این نوع حسابداری برای هر کسب‌وکاری که مایل به به حداکثر رساندن کارایی و در عین حال به حداقل رساندن منابع هدر رفته و پول صرف شده برای فعالیت‌ها یا فرآیندهای غیرضروری است، ارزشمند است.

2. هزینه‌یابی سفارش کار

هزینه‌یابی سفارش کار توسط صنایعی استفاده می‌شود که محصولات را برای خواسته‌ها و نیازهای خاص سفارشی می‌سازند. در هزینه‌یابی سفارش کار، هزینه مواد و نیروی کار برای یک کار خاص به طور جداگانه محاسبه می‌شود و در طول فرآیند پیگیری می‌شود. این حسابداری بهای تمام شده برای تولیدکنندگانی مفید است که باید بدانند دقیقاً هزینه تولید هر محصول چقدر است تا بر اساس آن قیمت‌گذاری کنند.

در ابتدای هر کار، یک بودجه تخمینی شامل تمام هزینه‌های شناخته شده مربوط به ایجاد محصول می‌شود. با پیشرفت تولید، تغییرات قیمت با استفاده از هزینه‌یابی سفارش کار پیگیری می‌شود. با استفاده از این داده‌ها، آنها می‌توانند استراتژی‌های قیمت‌گذاری خود را برای بهینه‌سازی سود تنظیم کنند. در عین حال الگوهای تقاضا را برای کارایی بیشتر در فرآیندهای تولید ردیابی کنند.

3. هزینه‌یابی فرآیند

هزینه‌یابی فرآیند توسط مشاغلی استفاده می‌شود که اقلام مشابه را به طور مداوم تولید می‌کنند، مانند تولید مواد غذایی یا ساخت قطعات خودرو.

با استفاده از این روش حسابداری، میانگین هزینه‌های مربوط به هر فرآیند در چرخه تولید در طول زمان پیگیری و مدیریت می‌شود. به این شکل تولید کارآمد و اقتصادی

انجام می‌شود. هدف کلی این است که اطمینان حاصل شود هزینه‌های تولید پایین باقی می‌مانند. در عین حال استانداردهای با کیفیت بالا در تمام فرآیندهای چرخه تولید حفظ می‌شود.

با استفاده از هزینه‌یابی فرآیند، شرکت می‌تواند هزینه‌های مربوط به هر مرحله از فرآیند تولید، از جمله نیروی کار، مواد اولیه، هزینه‌های سربار و سایر هزینه‌های مرتبط را پیگیری کند. این امکان را به شرکت می‌دهد تا نقاطی را که ممکن است قیمت‌ها خیلی بالا یا ناکارآمد تخصیص داده شود، شناسایی کند. به آنها اجازه می‌دهد تغییراتی را برای صرفه‌جویی در هزینه و افزایش کارایی ایجاد کنند.

با نظارت بر این هزینه‌ها در طول زمان، آنها همچنین می‌توانند روندها یا حرکاتی را در صنعت خود شناسایی کنند که ممکن است بر سودآوری کلی آنها تأثیر بگذارد.

4. حسابداری هزینه نهایی

کسب‌وکارها از حسابداری هزینه نهایی با خطوط تولید متعدد استفاده می‌کنند. این نوع حسابداری باید تعیین کند که کدام خطوط در رابطه با درآمد نهایی حاصل از فروش در مقابل هزینه‌های حاشیه‌ای مرتبط با تلاش‌های تولید یا بازاریابی برای آن خطوط سودآورتر از سایر خطوط هستند.

با در نظر گرفتن همه عوامل مرتبط مانند مواد، نیروی کار و هزینه‌های سربار، این نوع حسابداری به کسب‌وکارها کمک می‌کند شناسایی کنند که کدام محصولات درآمد

بیشتری نسبت به سایرین دارند. بنابراین، آنها می‌توانند روی مناطقی تمرکز کنند که می‌توانند در طول زمان به طور مؤثر سود را افزایش دهند.

5. هزینه‌یابی استاندارد

کسب‌وکارها از هزینه‌یابی استاندارد استفاده می‌کنند تا اطمینان یابند که فرآیندهای تولیدشان ثابت است. آنها هزینه‌های واقعی را با استانداردهای از پیش تعیین شده در طول فرآیند بودجه‌بندی یا سایر سناریوهای برنامه‌ریزی منحصر به فرد برای هر محیط تجاری مقایسه می‌کنند.

این حسابداری هزینه به شرکت‌ها کمک می‌کند تا کارایی خود را حفظ کنند. در عین حال هزینه‌ها را از طریق نظارت دقیق و مقایسه با معیارهای عملکرد قبلی کنترل کنند تا بتوانند هر فرصتی را برای بهبود قبل از تبدیل شدن به مشکلات جدی شناسایی کنند.

هزینه‌یابی استاندارد همچنین مدیران را قادر می‌سازد تا مناطقی را شناسایی کنند که می‌توانند هزینه‌ها را بدون به خطر انداختن کیفیت یا کارایی کاهش دهند. به عنوان مثال، اگر کارمندان به دلیل فرآیندهای ناکارآمد یا آموزش ناکافی، زمان زیادی را برای انجام وظایف خاص صرف کنند. همچنین می‌توانند برای صرفه‌جویی در زمان و هزینه به دنبال ساده‌سازی این عملیات باشند.

به طور مشابه، فرض کنید آنها متوجه می‌شوند که ورودی‌های خاص به دلیل نوسانات قیمت‌های بازار بیش از حد انتظار هزینه دارند. در آن صورت، آنها می‌توانند راه‌های

کاهش اتکای خود به آن منابع را با یافتن جایگزین‌های ارزان‌تر در جای دیگر یا مذاکره در مورد شرایط بهتر با تأمین‌کنندگان بررسی کنند.

در هر صورت، دسترسی به داده‌های دقیق در مورد هزینه‌های واقعی در مقابل هزینه‌های استاندارد به کسب‌وکارها این امکان را می‌دهد تا عملیات خود را به طور مؤثرتری تجزیه و تحلیل کنند و تصمیمات آگاهانه‌تری در مورد بهترین نحوه مصرف منابع محدود خود اتخاذ کنند.



مزایای حسابداری بهای تمام شده

1. حسابداری بهای تمام شده به مقایسه هزینه واقعی محصول با هزینه استاندارد کمک می‌کند. مدیریت را قادر می‌سازد تا در صورت وجود تفاوت قابل توجه بین

- آنها اقدام اصلاحی انجام دهد. این امر به کنترل هزینه‌های تولید و بهبود سودآوری کمک می‌کند.
2. این نوع حسابداری به تعیین نقطه سر به سر کمک می‌کند. بنابراین مدیریت را قادر می‌سازد تا فعالیت‌های سودآور و زیان‌آور را شناسایی و به آنها کمک کند تا اقدامات لازم را برای افزایش حاشیه سود انجام دهند.
3. این اطلاعات به موقع در مورد هزینه‌های متحمل شده توسط هر بخش یا منطقه به مدیران اجازه می‌دهد تا بر اساس عملکرد مالی و بودجه‌بندی در مورد گسترش یا کاهش بیشتر تصمیم بگیرند.
4. با مطالعه روند هزینه‌ها در طول زمان، حسابداران هزینه می‌توانند بینش ارزشمندی در مورد راه‌های ممکن برای کاهش هزینه‌ها از طریق فرآیندهای بهبودیافته، مواد بهتر و استفاده کارآمد از نیروی کار ارائه دهند.
5. همچنین با در نظر گرفتن تمام هزینه‌های سربار، هزینه‌های غیرمستقیم مرتبط با تولید و سایر اجزایی که استراتژی قیمت‌گذاری نهایی را تشکیل می‌دهند. به کسب‌وکارها کمک می‌کند محصولات/خدمات را به طور دقیق قیمت‌گذاری کنند.
6. حسابداری بهای تمام شده بینش ارزشمندی در مورد سودآوری مشتری ارائه می‌دهد. این به کسب‌وکارها کمک می‌کند تا در طول زمان تصمیمات آگاهانه‌تری بگیرند. با تعیین دقیق اینکه کدام مشتریان سود و زیان بیشتری به همراه دارند، شرکت‌ها می‌توانند تلاش‌های بازاریابی خود را برای ایجاد روابط با آنهایی که بیشترین سود را برای کسب‌وکار دارند، هدایت کنند.
7. سازمان‌ها می‌توانند با استفاده از این ابزار بینش ارزشمندی در مورد عملکرد فروشندگان به دست آورند. به آنها کنترل کاهش هزینه‌ها و تقویت روابط از طریق

مشارکت‌های بلندمدت را بدهد. با چنین دانشی، شرکت‌ها می‌توانند تصمیمات خرید استراتژیک‌تری بگیرند که پاداش‌های متقابلی را ارائه می‌کنند، مانند قیمت‌های تخفیف‌خورده!

معایب حسابداری بهای تمام شده

- اطلاعات هزینه نادرست می‌تواند منجر به تصمیمات اشتباه مدیریت شود و منجر به سود کمتر از حد انتظار یا زیان بیشتر از حد انتظار شود. ممکن است به دلیل درک نادرست از ساختار هزینه واقعی محصولات/خدمات عرضه شده توسط یک سازمان در بین مشتریان هدف آن باشد.
- این نوع حسابداری فرآیند پیچیده‌ای است که نیاز به دانش تخصصی دارد، که هزینه‌های سربار را افزایش می‌دهد و به متخصصان ماهری نیاز دارد که ممکن است برای یافتن نیاز به کمک داشته باشند یا از منابع خارجی به کار گرفته شوند.
- این روش حسابداری ممکن است تمام نقاط داده مربوطه را در بر نگیرد؛ زیرا ممکن است برخی از عناصر در مقایسه با اعداد کلی تولید شده پس از تجزیه و تحلیل کامل بسیار کوچک یا مبهم باشند.
- محاسبات به‌دست‌آمده از حسابداری بهای تمام شده ممکن است دقیق به نظر برسد، اما اگر مفروضات مهمی که هنگام تعیین این ارقام ارائه می‌شوند، نادرست باشند، می‌توانند گمراه‌کننده باشند.
- حسابداران بهای تمام شده نیاز به دسترسی به منابع داده قابل اعتماد مانند سوابق نگهداری شده در دفاتر حسابداری به صورت دستی یا الکترونیکی دارند. بسته به اندازه و دامنه عملیات انجام شده در حوزه سازمان، آنها می‌توانند این اعداد را با

قیمت‌های فعلی بازار مقایسه کنند.

چگونه حسابداری بهای تمام شده می‌تواند به شما در صرفه‌جویی در هزینه کمک کند

حسابداری بهای تمام شده به ابزاری محبوب برای صاحبان مشاغل تبدیل شده است تا بتوانند امور مالی خود را ردیابی و کنترل کنند. با نظارت دقیق بر هزینه تولید و سایر هزینه‌ها، به صاحبان مشاغل کمک می‌کند تا مناطقی را که می‌توانند پس‌انداز کنند را شناسایی کنند.

در اینجا برخی از چگونگی حسابداری هزینه می‌تواند به صاحبان کسب‌وکار کمک کند تا پول خود را در راه‌اندازی یک کسب‌وکار صرفه‌جویی کنند:

1. حسابداری بهای تمام شده به صاحبان کسب‌وکار کمک می‌کند تا با بهبود فرآیندهای بودجه‌ریزی در پول خود صرفه‌جویی کنند

این نوع حسابداری به کسب‌وکارها کمک می‌کند تا با ارائه پیش‌بینی دقیق‌تر هزینه‌ها، بودجه خود را بهتر برنامه‌ریزی کنند. ایجاد یک بودجه در چارچوب پارامترهای مورد انتظار آسان‌تر است، که هر گونه اختلاف احتمالی در قیمت‌گذاری یا مخارج را به حساب می‌آورد. این به کسب‌وکارها کمک می‌کند تا از هزینه‌های برنامه‌ریزی نشده و لحظه آخری و هزینه‌های اضافی برای مواد یا خدمات جلوگیری کنند.

2. حسابداری بهای تمام شده به صاحبان کسب و کار کمک می‌کند تا با

ردیابی استفاده از منابع در هزینه خود صرفه‌جویی کنند

حسابداری بهای تمام شده همچنین امکان ردیابی استفاده از منابع را با دقت و مؤثرتر فراهم می‌کند. از این طریق می‌تواند با استفاده از منابع کمتر از حد لازم یا جلوگیری از اتلاف وقت یا مواد به دلیل استفاده ناکارآمد منجر به صرفه‌جویی در هزینه شود.

به عنوان مثال، ردیابی مصرف انرژی در طول زمان از طریق حسابداری هزینه به کسب و کارها این امکان را می‌دهد تا مناطقی را شناسایی کنند که ممکن است بتوانند مصرف برق خود را کاهش دهند. بنابراین در قبوض آب و برق خود صرفه‌جویی کنند.



3. حسابداری بهای تمام شده به صاحبان مشاغل کمک می‌کند تا با

شناسایی تنگناها در پول خود صرفه‌جویی کنند

این نوع حسابداری بینش‌های ارزشمندی را در مورد فرآیندهایی ارائه می‌دهد که ممکن است به دلیل انسداد در زنجیره‌های تولید یا تأمین، عملکرد ضعیفی داشته باشند یا هزینه‌های بالایی ایجاد کنند، به آنها اجازه می‌دهد تا قبل از اینکه منجر به زیان‌های قابل توجهی برای شرکت شوند، به این مسائل رسیدگی کنند.

با شناسایی زودهنگام این مشکلات، کسب‌وکارها می‌توانند تنظیماتی را برای بهینه‌سازی کارایی و اجتناب از متحمل شدن هزینه‌های غیرضروری ناشی از تأخیر یا کیفیت نامرغوب انجام دهند.

4. حسابداری بهای تمام شده به صاحبان کسب‌وکار کمک می‌کند تا با

منطقی کردن هزینه‌ها در هزینه‌ها صرفه‌جویی کنند

حسابداری بهای تمام شده همچنین می‌تواند با مقایسه قیمت‌های محصولات یا خدمات مختلف از فروشندگان مختلف و تعیین اینکه کدامیک بیشترین ارزش را برای پول بر اساس ملاحظات عملکرد و کیفیت ارائه می‌دهد، به جای تکیه بر قیمت تنها در هنگام تصمیم‌گیری، به توضیح هزینه‌ها کمک کند.

کسب‌وکارهایی که از این رویکرد استفاده می‌کنند اغلب می‌توانند کالاها و خدمات با

کیفیت بالا را با قیمت‌های پایین‌تر نسبت به زمانی که فقط ارزان‌ترین گزینه موجود را انتخاب می‌کردند، بدون در نظر گرفتن ارزش کلی برای پول ارائه‌شده توسط هر محصول یا ارائه‌دهنده خدمات، به دست آورند.

5. حسابداری بهای تمام شده به صاحبان کسب‌وکار کمک می‌کند تا با

دستیابی به عملیات کمتر، در پول خود صرفه‌جویی کنند

در نهایت، این روش حسابداری به صاحبان مشاغل اجازه می‌دهد تا با بررسی تمام جنبه‌های عملکرد، مانند سطوح کارکنان، برنامه‌های تولید و سیستم‌های مدیریت موجودی، عملیات کمتری را انجام دهند تا در صورت امکان، ضایعات را کاهش داده و کارایی را افزایش دهند.

ترویج شیوه‌هایی مانند زمان‌بندی تولید به موقع (JIT) که هزینه‌های موجودی را کاهش می‌دهد و به طور هم‌زمان زمان‌های تکمیل را تسریع می‌کند. این به شرکت‌ها کمک می‌کند تا در رقابت باقی بمانند و در عین حال در هزینه‌ها نیز صرفه‌جویی کنند.

چالش‌های حسابداری بهای تمام شده چیست؟

حسابداری بهای تمام شده ابزاری است که توسط کسب‌وکارها برای شناسایی و مدیریت هزینه‌های مرتبط با عملیات خود به منظور بهبود سودآوری و به حداکثر رساندن کارایی استفاده می‌شود.

در حالی که این نوع حسابداری می‌تواند دارایی ارزشمندی برای کسب‌وکارها باشد، اما چالش‌های متعددی را نیز برای اطمینان از صحت و اعتبار نتایج ارائه می‌دهد.

1. برآورد هزینه‌ها

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های حسابداری بهای تمام شده تخمین دقیق هزینه‌های آتی بر اساس اطلاعات فعلی است. هنگام انجام تخمین‌های بلندمدت برای سرمایه‌گذاری‌های سرمایه‌ای یا هزینه‌های آتی، این می‌تواند فوق‌العاده چالش‌برانگیز باشد، زیرا هیچ راهی برای دانستن دقیق آنچه در آینده اتفاق خواهد افتاد، وجود ندارد.

برآوردگران هزینه باید عملکرد گذشته، روندهای بازار و سایر عوامل را در نظر بگیرند تا حدس‌های آموزشی در مورد هزینه‌های آتی داشته باشند.

2. پیگیری هزینه‌های نیروی کار

نیروی کار یکی از مهم‌ترین اجزای هزینه‌های سربار هر کسب‌وکار است، اما ردیابی دقیق آن دشوار است. بسیاری از شرکت‌ها ترکیبی از کارمندان حقوق‌بگیر، پیمانکاران و کارکنان موقت دارند که می‌تواند مسائل را پیچیده‌تر کند.

حسابداران هزینه باید توجه زیادی به ساعات کار هر کارمند، نرخ اضافه‌کاری، پاداش و زمان تعطیلات داشته باشند، در حالی که سعی می‌کنند در محدودیت‌های بودجه باقی

بمانند.

3. استراتژی‌های قیمت‌گذاری پیچیده

قیمت‌گذاری مناسب محصولات و خدمات برای موفقیت ضروری است، اما در صورت وجود تخفیف‌های متعدد یا پیشنهادات ویژه، می‌تواند دشوار باشد. حسابداران هزینه باید تمام مقررات قابل اجرا و ترجیحات مشتری را درک کنند تا یک استراتژی قیمت‌گذاری ایجاد کنند. از این طریق سود را در عین حال رقابتی در بازار به حداکثر برسانند.

4. تعیین هزینه‌های مبتنی بر فعالیت

هزینه‌یابی مبتنی بر فعالیت (ABC) شامل تخصیص فعالیت‌ها یا فرآیندهای خاص در یک کسب‌وکار با مقدار معینی از ارزش است که در ساختار هزینه کلی آن نقش دارد. این رویکرد از حسابداران هزینه می‌خواهد که ارزش فعالیت‌های خاصی را بر اساس میزان مشارکت آنها در تولید یا ارائه خدمات تعیین کنند که بسته به پیچیدگی فرآیند درگیر می‌تواند دشوار باشد.

5. ایجاد اهداف بودجه‌بندی

تعیین اهداف بودجه و تعیین تخصیص منابع مناسب از مهم‌ترین وظایف حسابداران

هزینه است. با این حال، این تصمیمات فقط گاهی به دلیل اهداف رقابتی مانند سودآوری در مقابل رضایت مشتری یا اهداف کوتاهمدت در مقابل بلندمدت آسان هستند.

علاوه بر این، تعیین محدودیت‌های بودجه نیز مستلزم در نظر گرفتن عوامل خارجی مانند شرایط اقتصادی و عوامل داخلی مانند فرهنگ شرکت یا منابع موجود است. تمام این متغیرها باید هنگام تصمیم‌گیری آگاهانه در مورد تخصیص منابع در نظر گرفته شوند تا بتوان اهداف واقع‌بینانه را در برنامه تعیین کرد و به آنها دست یافت.



عوامل مؤثر بر حسابداری بهای تمام شده چیست؟

(1) حجم

هر چه حجم تولید بیشتر باشد، هزینه تولید کمتر می شود. به این دلیل است که حجم بالاتر اجازه می دهد تا هزینه های ثابت در تعداد قابل توجهی از واحدها توزیع و در نتیجه هزینه هر واحد کمتر شود. **هزینه های ثابت** مانند اجاره و بیمه با سطح تولید تغییر نمی کند.

(2) هزینه های متغیر

هزینه های متغیر با تغییرات در سطوح تولید، مانند مواد خام و نیروی کار، متفاوت است. هر چه هزینه های متغیر بیشتر باشد، **هزینه تولید** نیز بیشتر می شود؛ زیرا نهادهای بیشتری برای هر واحد استفاده می شود.

(3) هزینه های سربار

هزینه های سربار به کلیه هزینه های دیگری اطلاق می شود که مستقیماً به **تولید کالا** یا خدمات مربوط نمی شود، مانند حقوق اداری، لوازم اداری و خدمات آب و برق. ردیابی این هزینه ها ضروری است؛ زیرا در صورت عدم کنترل می توانند به طور قابل توجهی بر هزینه کلی تولید تأثیر بگذارند.

(4) فناوری

فناوری به طور قابل توجهی بر کاهش و افزایش هزینه ها در حسابداری بهای تمام شده تأثیر گذاشته است. فناوری جدید به ساده سازی فرآیندها و **افزایش کارایی** و در نتیجه

کاهش قیمت‌ها کمک می‌کند. از سوی دیگر، فناوری جدید نیاز به سرمایه‌گذاری‌های سرمایه‌ای دارد که می‌تواند هزینه‌ها را نیز بسته به نحوه پیاده‌سازی آنها در سیستم‌های موجود افزایش دهد.

(5) مکان

جایی که یک شرکت فعالیت می‌کند می‌تواند به طور قابل توجهی بر ساختار هزینه کلی آن تأثیر بگذارد. شرکت‌هایی که در کشورهای کم‌هزینه فعالیت می‌کنند، ممکن است از نیروی کار ارزان‌تر بهره‌مند شوند. شرکت‌هایی که به مشتریان نشان نزدیک‌تر هستند، ممکن است به دلیل مسافت کوتاه‌تر طی شده توسط کالا یا خدمات تحویل یا دریافت توسط مشتریان، **هزینه‌های حمل و نقل** بالاتری داشته باشند.

(6) مقررات

دولت‌ها، مالیات‌ها و مقرراتی را بر کسب‌وکارها وضع می‌کنند که می‌تواند **هزینه‌های سربار** یا قیمت کالاها و خدمات تولید شده توسط یک کسب‌وکار را افزایش دهد. شرکت‌ها باید بدانند که چه محدودیت‌هایی در صنعت خود اعمال می‌کنند تا در هنگام بودجه‌بندی برای هزینه‌های سربار یا **قیمت‌گذاری کالاها** و خدمات متناسب، برنامه‌ریزی مناسبی داشته باشند.

(7) رقابت

شرکت‌ها باید با ارائه محصولات با کیفیت بالا و قیمت‌های رقابتی با یکدیگر رقابت کنند

که در صورت عدم مدیریت مناسب از طریق یک سیستم **حسابداری بهای تمام شده** مؤثر می‌تواند منجر به هزینه‌های بالاتر شود. شرکت‌ها باید بدانند که رقبا برای تنظیم امتیاز قیمت‌های خود بدون به خطر انداختن **کیفیت محصول** یا خدمات ارائه شده، چه چیزی را دریافت می‌کنند.

(8) تورم

تغییرات در نرخ تورم با افزایش قیمت نهاده‌هایی مانند مواد خام، نیروی کار یا انرژی، مستقیماً بر مشاغل تأثیر می‌گذارد. کاهش بازده از محصولات فروخته شده به دلیل تقاضای کمتر ناشی از قیمت‌های بالاتر که به دلیل فشارهای تورمی بر درآمد کسب‌وکارها اعمال می‌شود.

هنگام ایجاد بودجه و پیش‌بینی عملکرد آتی کسب‌وکارها، تورم باید به دقت رصد شود تا وقتی که زمان پایان دوره‌های **تهیه صورت‌های مالی** می‌رسد، بتوان اهداف واقعی را تعیین کرد و به آن دست یافت.



محدودیت‌های عمده حسابداری بهای تمام شده چیست؟

1. ارتباط

محاسبات این روش حسابداری اغلب بر اساس هزینه‌های تاریخی است. آنها ممکن است به شرایط فعلی بازار مرتبط نباشند، به این معنی که دیگر ممکن است هزینه‌های واقعی کالا یا خدمات را به طور دقیق نشان ندهند. حسابداران هزینه باید دائماً محاسبات هزینه خود را بررسی و به‌روز کنند تا مطمئن شوند که هنوز دقیق هستند.

2. پیچیدگی

حسابداری بهای تمام شده می‌تواند در هنگام برخورد با چندین فرآیند تولید و سطوح مختلف هزینه‌های سربار پیچیده شود. زیرا همه اینها می‌توانند بر محاسبه هزینه کلی تأثیر بگذارند.

این امر نه تنها به تجزیه و تحلیل دقیق هر روش و هزینه‌های مرتبط نیاز دارد، بلکه برای حسابداران هزینه نیز ضروری است که عوامل خارجی (مانند روندهای اقتصادی) را که ممکن است بر این محاسبات تأثیر بگذارد، در نظر بگیرند.

3. دقت

فقط ورودی داده‌های دقیق می‌تواند به محاسبات دقیق هزینه و اعتبار منجر شود. حسابداران بهای تمام شده باید اطمینان حاصل کنند که تمام داده‌های مورد استفاده در برآوردهای آنها دقیق، به‌روز و مرتبط با شرایط فعلی بازار است.

به‌علاوه، اگر در طول فرآیند محاسبات، فرضیاتی صورت گیرد، آنگاه این مفروضات باید در گزارش تولید شده توسط حسابدار بهای تمام شده توجیه شده و به وضوح توضیح داده شوند.

4. استانداردسازی

روش‌های حسابداری بهای تمام شده به دلیل تفاوت در نحوه محاسبه هزینه‌ها می‌تواند از سازمانی به سازمان دیگر متفاوت باشد. به این ترتیب، مقایسه هزینه‌های دو سازمان مختلف در کنار یکدیگر، بدون نوعی استانداردسازی یا یکنواختی در نحوه محاسبه این هزینه‌ها، می‌تواند چالش‌برانگیز باشد.

بدون این استانداردسازی، مغایرت‌ها یا ناهنجاری‌ها در ارقام گزارش شده به طور بالقوه می‌تواند منجر به تصمیمات نادرست مدیریت ارشد یا سرمایه‌گذاران بر اساس اطلاعات نادرست ارائه شده توسط گزارش حسابدار هزینه شود.

5. تخصیص هزینه‌ها

تخصیص مبالغ خاص از یک حوزه از یک فرآیند یا فعالیت تجاری بر دیگری، اغلب به دلیل منابع محدود موجود برای تعیین تخصیص دقیق، چالش‌برانگیز است. این می‌تواند منجر به خرج بیش از حد برای فعالیت‌های خاص یا تأمین مالی کمتر از سایر فعالیت‌ها شود که به سودآوری کلی آسیب می‌رساند.

به این ترتیب، حسابدار هزینه باید در هنگام تخصیص منابع در مناطق مختلف در یک فرآیند یا فعالیت تجاری، به دقت مورد توجه قرار گیرد تا بازده بالقوه را به حداکثر برساند. در عین حال **ضررهای احتمالی** را در طول زمان به حداقل برساند.



برای دریافت دموی نرم افزارهای مالی

سخن پایانی

حسابداری بهای تمام شده سیستمی است برای ثبت و تجزیه و تحلیل بهای تمام شده محصولات یا خدمات به منظور کمک به برنامه‌ریزی استراتژیک و بهبود کارایی هزینه. برای بسیاری از طرف‌های درگیر در یک تجارت، از جمله مدیریت، کارمندان و مصرف‌کنندگان، مهم است. اگرچه حسابداری بهای تمام شده و حسابداری مالی به هم مرتبط هستند، اما نتایج متفاوتی ارائه می‌دهند. این نوع حسابداری هزینه تولید اقلام فردی را به شما می‌گوید. در حالی که حسابداری مالی سود و زیان شرکت را به عنوان یک کل به شما نشان می‌دهد. در حالی که استفاده از سیستم حسابداری هزینه اختصاصی مزایایی دارد. شرکتی که برای پیگیری هزینه‌های خود به اندازه کافی کارآمد باشد، می‌تواند بدون داشتن یک سیستم رسمی، تمام سوابق خود را مدیریت کند.